



Islamic Maaref University

Scientific Journal


## PAZHUHESH NAME-E AKHLAQ

Vol. 17, Summer 2024, No. 64

### The ethical principles of dealing with fellow human beings in the life of Imam Reza (AS) with an emphasis on the issue of dignity

Abuzar Rajabi<sup>1</sup>

1. <sup>1</sup>Associate Professor, Department of Theoretical Foundations of Islam, Maaref University, Qom, Iran.  
[rajabi@maaref.ac.ir](mailto:rajabi@maaref.ac.ir)

Abstract Info	Abstract
<b>Article Type:</b> Research Article    <b>Received:</b> 2024.07.05 <b>Accepted:</b> 2024.09.14	<p>The foundation of Islamic ethics in good interaction with humans goes back to the important issue of dignity. The merit of respecting and behaving well with others is rooted in the inherent respect for human beings. This important matter, as a basis in Islamic ethics, has been given serious attention in religious texts and the conduct and behavior of the Infallibles (AS). The present article analyzes the conduct of Razavi in this regard using a qualitative approach and an analytical-descriptive method. The findings of the research lead us to the conclusion that the most important issue in the life of Imam Reza (AS) is the emphasis on human dignity, and this does not differ in the type of human beings. From this issue, branches arise whose observance and realization in line with monotheistic ethics leads to the god-likeness of the believing community and its resemblance to a perfect human being in the light of moral qualities. The foundation for moral growth among the followers of the Ahl al-Bayt by adopting divine ethics has been established in this school, and by understanding them, the ethical lifestyle of the religious community can be tested. With the help of narrations and Razavi's practical life, we organize this writing to explain the ethical principles in the behavioral life of Imam Reza (AS).</p>
<b>Keywords</b>	Imam Reza's (AS) life, Islamic ethics, social ethics, ethical principles, human dignity.
<b>Cite this article:</b>	Rajabi, Abuzar (2024). The ethical principles of dealing with fellow human beings in the life of Imam Reza (AS) with an emphasis on the issue of dignity. <i>Pazhuhesh Name-E Akhlaq</i> . 17 (2). 63-84. DOI: <a href="https://doi.org/10.22034/17.64.61">https://doi.org/10.22034/17.64.61</a>
<b>DOI:</b>	<a href="https://doi.org/10.22034/17.64.61">https://doi.org/10.22034/17.64.61</a>
<b>Publisher:</b>	Islamic Maaref University, Qom, Iran.

## الأصول الأخلاقية في السلوك مع الخلق في سيرة الإمام الرضا عليه السلام مع التركيز على قضية الكرامة

أبوذر رجبى<sup>١</sup>

١. أستاذ مشارك في قسم أسس الإسلام النظرية، جامعة المعارف الإسلامية، قم، إيران.

rajabi@maaref.ac.ir

ملخص البحث	معلومات المادة
<p>يعود أساس الأخلاق الإسلامية في التعامل الحسن مع البشر إلى قضية الكرامة المهمة. يتجذر استحقاق الاحترام وحسن السلوك مع الآخرين في كرامة الإنسان الذاتية. وقد يحظى هذا الأمر المهم كأساس في الأخلاق الإسلامية، باهتمام بالغ في النصوص الدينية وسيرة المعصومين <small>عليهم السلام</small>. يقوم المقال بتحليل السيرة الرضوية في هذا المجال بالاستفادة من المنهج النوعي والأسلوب الوصفي التحليلي. تشير نتائج البحث إلى أن أهم القضايا في سيرة الإمام الرضا <small>عليه السلام</small> هو التأكيد على الكرامة الإنسانية. ولا فرق في هذا بين أبناء البشر. تؤدي هذه القضية إلى النتائج التي مراعاتها وتحقيقها في إطار الأخلاق التوحيدية، سيسبب إلى تجسيد الصفات الإلهية في المجتمع الإيماني والتشبه بالإنسان الكامل في ظل الصفات الأخلاقية. تمّ تمهيد الأرضية للنمو الأخلاقي في شيعة أهل البيت <small>عليهم السلام</small> بالتخلق بالأخلاق الإلهية في هذه المدرسة، حيث يمكن بمعرفتها، تقسيم المجتمع الديني من حيث حياته الأخلاقية. سنقوم في المقال بشرح الأصول الأخلاقية في سلوك الإمام الرضا <small>عليه السلام</small> بالاعتماد على الروايات والسيرة العملية الرضوية.</p>	<p>نوع المقال: بحث</p> <p>تاريخ الاستلام: ١٤٤٥/١٢/٢٨</p> <p>تاريخ القبول: ١٤٤٦/٠٣/١٠</p>
<p>سيرة الإمام الرضا <small>عليه السلام</small>، الأخلاق الإسلامية، الأخلاق الاجتماعية، الأصول الأخلاقية، الكرامة الإنسانية.</p>	<p>الألفاظ المفتاحية</p>
<p>رجبى، أبوذر (١٤٤٦). الأصول الأخلاقية في السلوك مع الخلق في سيرة الإمام الرضا <small>عليه السلام</small> مع التركيز على قضية الكرامة. مجلة علمية النشرة الأخلاقية. ١٧ (٢). ٨٤ - ٦٣. DOI: <a href="https://doi.org/10.22034/17.64.61">https://doi.org/10.22034/17.64.61</a></p>	<p>الاقتباس:</p>
<p><a href="https://doi.org/10.22034/17.64.61">https://doi.org/10.22034/17.64.61</a></p>	<p>رمز DOI:</p>
<p>جامعة المعارف الإسلامية، قم، إيران.</p>	<p>الناشر:</p>



# پژوهش‌نامه اخلاق

سال ۱۷، تابستان ۱۴۰۳، شماره ۶۴

## اصول اخلاقی رفتار با هموعان در سیره امام رضا (ع) با تأکید بر مسئله کرامت

ابوذر رجبی<sup>۱</sup>

۱. دانشیار گروه مبانی نظری اسلام دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

rajabi@maaref.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی (۸۴ - ۶۳)</p> 	<p>زیربنای اخلاق اسلامی در تعامل نیکو با انسان‌ها به مسئله مهم کرامت برمی‌گردد. شایستگی احترام و خوش‌رفتاری با دیگران ریشه در تکریم ذاتی انسان‌ها دارد. این امر مهم به عنوان مبنا در اخلاق اسلامی مورد توجه جدی نصوص دینی و سیره و رفتار معصومان (ع) قرار گرفته است. مقاله حاضر با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و با روش تحلیلی - توصیفی به تحلیل سیره رضوی در این زمینه می‌پردازد. یافته‌های تحقیق ما را به این نتیجه می‌رساند که مهمترین مسئله در سیره امام رضا (ع) تأکید بر کرامت انسانی است و این امر تفاوتی در نوع انسان‌ها ندارد. از این مسئله، فروعاتی نشأت می‌گیرد که رعایت و تحقق آنها در راستای اخلاق توحیدی به خداگونه‌گی جامعه ایمانی و تشبه به انسان کامل در پرتو صفات اخلاقی می‌انجامد. زمینه‌سازی رشد اخلاقی در میان پیروان اهل بیت با تخلق به اخلاق الهی در این مکتب پای‌ریزی شده که با شناخت آنها می‌توان زیست اخلاق‌مدارانه جامعه دینی را مورد محک قرار داد. با استمداد از روایات و سیره عملی رضوی به تبیین اصول اخلاقی در سیره رفتاری امام رضا (ع) این نگاشته را به سامان می‌رسانیم.</p>
<p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۵</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۴</p>	<p>سیره امام رضا (ع)، اخلاق اسلامی، اخلاق اجتماعی، اصول اخلاقی، کرامت انسانی.</p>
<p>واژگان کلیدی</p>	<p>رجبی، ابوذر (۱۴۰۳). اصول اخلاقی رفتار با هموعان در سیره امام رضا (ع) با تأکید بر مسئله کرامت. پژوهشنامه اخلاق. ۱۷ (۲). ۸۴ - ۶۳. DOI: <a href="https://doi.org/10.22034/17.64.61">https://doi.org/10.22034/17.64.61</a></p>
<p>استناد:</p>	<p>کد DOI: <a href="https://doi.org/10.22034/17.64.61">https://doi.org/10.22034/17.64.61</a></p>
<p>ناشر:</p>	<p>دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.</p>

## طرح مسئله

ایدئولوژی اسلام که بر محوریت توحید و عدل و معاد شکل گرفته است، یک ایدئولوژی انسانی است که مخاطبش انسان است و داعیه نجات نوع انسان را دارد، نه نجات و رهایی گروه یا طبقه معینی را (مطهری، ۱۳۹۱: ۵۶). به همین جهت در حیطه رفتارشناسی اهل بیت، الگو بودن رفتار آنان برای پیروان و محبان ایشان مطرح است. اصول مطرح شده در نظام اخلاقی آنان شاخصه‌های مطلوب انسانی بوده و در ساختار اخلاقی خود، رنگ و قوم و نژاد و قبیله خاصی را دنبال نمی‌کند. اما نکته‌ای که در این میان باید مورد توجه قرار گیرد، این است که در رفتارشناسی اخلاقی امام، جامعه ایمانی و شیعیان اهل بیت باید به ارزش‌های اخلاق اهتمام بیشتری داشته باشند. وجه این امر به خود مقوله ایمان بازمی‌گردد؛ چراکه تن دادن به فضایل اخلاقی، جزئی از ایمان است. حضرت ایمان را تصدیق به قلب و اقرار به زبان و عمل به ارکان و جوارح می‌دانند: «ایمان، تصدیق به قلب و اقرار به زبان و عمل به ارکان و اعضاست» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱ / ۱۲۲). در روایت دیگری ایمان را دارای چهار رکن معرفی می‌کنند:

ایمان بر چهار پایه است: توکل بر خدا و راضی بودن به قضای الهی و تسلیم در برابر فرمان او و واگذاری کارها به او (حمیری، ۱۴۱۳: ۳۵۴؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۴۵).

توجه به اخلاق و امور اخلاقی در سیره و گفتار رضوی کاملاً مشهود است. در واقع اخلاق‌گرایی و اخلاق‌مداری اصل حاکم بر اندیشه و رفتار امام بوده؛ به این معنا که امام در رفتار خود کاملاً اخلاقی عمل می‌کرد. نوع تعامل او با افراد مختلف، آنان را به اقرار به خوش‌رفتاری و خوش‌اخلاقی حضرت ترغیب می‌کرد. اخلاق‌مداری حضرت سبب اقبال افراد فراوانی به حضرت شده و یکی از مهم‌ترین دلایل رفت و آمد فراوان اقشار مختلف در منزل حضرت بود (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴ / ۳۶۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۴ / ۳۱۶). ابراهیم بن عباس در توصیف ویژگی‌های شخصیتی حضرت بیان می‌کند که امام رفتاری کاملاً اخلاقی با افراد داشته است (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲ / ۱۸۴).

نظام اخلاقی رضوی ریشه در قرآن و سنت دارد. در واقع این نظام کاملاً قرآنی است؛ چراکه درباره حضرت بیان شده است که «کان کلامه کله و جوابه و تمثله انتزاعات من القرآن» (همان: ۱۸۰).

آن حضرت همچون پدران خود تأکید فراوانی بر حسن خلق داشت. حضرت در روایتی بیان می‌دارد:

الخلق السيئ يفسد العمل كما يفسد الخل العسل (نصف، ۱۴۰۶: ۶۵؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲ / ۳۷).  
سوء خلق تباه‌کننده عمل است، همچون سرکه که از بین‌برنده و تباه‌کننده عسل است.

در کلام دیگری از حضرت در اهمیت حسن خلق می‌خوانیم: «در ترازوی اعمال، چیزی سنگین‌تر از

خوش خلقی نیست» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲ / ۳۷) یا در کلام دیگر بیان می‌دارد: «نزدیک‌ترین‌تان به من در روز قیامت، خوش‌خلق‌ترین شماست» (نجف، ۱۴۰۶: ۶۷؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲ / ۳۸). امام حتی این امر را برای فرزند خود نیز به‌عنوان سفارش رسمی مطرح می‌کند:

ای ابوجعفر! همواره در زندگانی خود انفاق کن، به دیگران خیر برسان. بخل و حسد از آفات انسانی است. بدین منظور خیر تو بر دیگران منجر به کسب رضایت الهی می‌شود و بر توفیقات انسانی افزوده می‌گردد (کلینی، ۱۴۰۷: ۴ / ۴۳).

در سفارش به شیعیان نیز بیان می‌دارد که نباید سبب رنجش خاطر دیگران و بدرفتاری با هموعان باشید (مفید، ۱۴۱۳: ۲۴۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۱ / ۲۳۰).

نکته قابل توجه در آموزه‌های رضوی، آن است که امام اخلاق خوب و خوش‌رفتاری را متأثر از دین‌داری فرد می‌داند. انسان‌ها از جهت رفتارهای اخلاقی دو دسته‌اند: آنانی که به‌سبب طبع و سرشت، خوش‌خلق هستند؛ دوم، انسان‌هایی که به‌دلیل تربیت دینی، تن به خوش‌خلق می‌دهند. از نظر امام، دسته دوم چون با تصمیم و اراده همراه است، از دسته اول برتر و والاتر است. در روایتی، پیامبر اکرم<sup>صلی الله علیه و آله</sup> رابطه مستقیم ایمان و خوش‌خلق را چنین بیان می‌کند: «بایمان‌ترین مردم، خوش‌اخلاق‌ترین آنهاست» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲ / ۳۸).

زیست اخلاقی شیعیان باید مبتنی بر رفتار امام معصوم باشد. حضرت در روایتی بیان فرمودند:

شیعیان ما کسانی هستند که تسلیم امر و نهی ما باشند، گفتار ما را سرلوحه زندگی در عمل و گفتار خود قرار دهند (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۷ / ۱۱۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۵ / ۱۶۷).

بیان سجایای اخلاقی امام در راستای الگوآفرینی از آن امام همام، امری ضروری است. فضایل اخلاقی فراوانی در گفتار و سیره رفتاری حضرت نقل شده که مورد اهتمام جدی امام بوده و شیعیان را نیز به انجام آنها فراخوانده‌اند؛ ولی مجال پرداختن به همه آنها در این یادداشت فراهم نیست و صرفاً به مهم‌ترین اصول اخلاقی اشاره می‌کنیم. محاسن فراوان اخلاقی همچون راست‌گویی، امانت‌داری، مواسات، دوستی، رفق و مدارا و ... جملگی مبتنی بر کرامت انسانی است و بر این اساس، متفرعات فراوانی در حوزه محاسن اخلاقی شکل می‌گیرد. در برابر، رذایل اخلاقی همچون خلف وعده، دروغ‌گویی، فحاشی و بدزبانی، تکبر، عجب، خشم و غضب، حسادت و ... به نقطه مقابل کرامت انسانی، یعنی پستی و لئیم بودن آدمی برمی‌گردد.

از شروط لازم برای زندگی اجتماعی، داشتن زیست اخلاقی مناسب با فضایل اخلاقی است؛ و این



زیست صرفاً با هم‌مذهب و هم‌کیش نیست. اخلاق‌مداری مبتنی بر فضایل اخلاقی، سرمایه‌ای راهبردی برای کل جامعه و افراد آن است که به‌گونه‌ای زندگی اجتماعی‌شان مرتبط با هم خواهد بود. مراد از هم‌نوعان در این بحث، ارتباط با طیف‌های مختلف در اجتماع است؛ اعم از هم‌کیشان، موحدان، مخالفان؛ که دایره مخالفان حتی ملحدان را نیز در بر می‌گیرد. درواقع در بستر اخلاق اجتماعی، ساحت‌های اخلاقی ارتباط با طیف‌های مختلف در اجتماع در این بحث وارد می‌شود. این امر امروزه ضرورت بیشتری پیدا می‌کند؛ چراکه در دنیایی متنوع با فرهنگ‌ها و گوناگونی مذاهب دینی یهود، مسیح، اسلام، زرتشت، هندوئیسم، بودیسم و ... زندگی می‌کنیم و با توجه به تنوع و گستردگی راه‌های ارتباطاتی و شکل‌گیری یک شتاب جهانی در دادوستدهای مختلف تجاری، علمی، فرهنگی و صنعتی و ...، ناچار به یک زیست جمعی هستیم (پترسون و دیگران، ۱۳۷۹: ۳۹۸)؛ اما چگونگی این زیست جمعی بسیار مهم است. آیا باید در میان چنین زیست و تعاملی با هم‌نوعان، باورهای اعتقادی متعدد و متنوع و گاه متعارض با یکدیگر هم تأیید شوند؛ چنان‌که طیفی از آن دم می‌زنند؛ یا می‌توان در عین باور به اصول اعتقادی خود، و نفی باورهای نادرست دیگر مکاتب و مذاهب، زندگی مسالمت‌آمیز با دیگر هم‌نوعان داشت. داده‌های پژوهش، ما را به این نکته رهنمون می‌شود که در رفتارشناسی رضوی، زیبایی‌های اخلاقی مبتنی بر کرامت به‌وجود می‌آید؛ اما درعین حال از نسبیت‌گرایی فاصله گرفته و از حقانیت دین اسلام دفاع کامل صورت می‌گیرد.

### پیشینه

این پژوهش، ناظر به توصیف رفتارشناسی امام رضا (ع) در تعامل با هم‌نوعان است و مبتنی بر اصول اخلاقی به این امر می‌پردازد. در حوزه اخلاق هنجاری و ارزشی از دید حضرت، تحقیقات خوبی صورت گرفته که در منشورات جامعه علمی در دسترس است؛ اما هیچ‌یک ناظر به محور اساسی این مقاله نبوده و تفاوت‌های جدی میان تحقیق‌های صورت گرفته با این نوشته وجود دارد.

در مقاله «نقش مؤلفه‌های کرامت در کمال انسان از منظر امام رضا (ع)»<sup>۱</sup> نویسندگان، چند مؤلفه ناظر به کرامت انسانی، مانند عبودیت، عقلانیت، آزادی‌خواهی و شاکر بودن را مطرح، و نقش آنها را در کمال انسان بررسی می‌کنند؛ ولی نوع طرح بحث درباره کرامت و نیز مؤلفه‌های متفرع بر آن، با مقاله حاضر شباهتی ندارند. در مقاله دیگر با عنوان «واکاوی مدیریت رفتاری امام رضا (ع) در حفظ و ارتقای کرامت انسانی بردگان»<sup>۲</sup> نویسندگان به نقش کرامت اخلاقی در مدیریت رفتاری امام رضا (ع) در تعامل با بردگان اشاره می‌کنند. در این

۱. نویسندگان: صغری صالحی و علی سروری مجد؛ **فصلنامه فرهنگ رضوی**، سال چهارم، شماره سیزدهم، بهار ۱۳۹۵.

۲. نویسندگان: ملیحه دانشمند، شهربانو دلبری، سیدحسین رئیس‌السادان و اردشیر اسدیگی؛ **نشریه فقه و تاریخ تمدن**، دوره هفتم، شماره چهار، زمستان ۱۴۰۰.

مقاله نیز نوع نگاه به مسئله کرامت و امور متأثر از آن، قرابتی با پژوهش مدنظر ما ندارد. در برخی مقالات مانند «بررسی فقهی سیره معصومان در تربیت اخلاقی»<sup>۱</sup>، «اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه امام رضا (ع)»<sup>۲</sup>، «روش‌های تربیت اخلاقی در سیره رضوی»<sup>۳</sup>، «سبک و سیره امام رضا (ع) در تربیت اخلاقی افراد جامعه»<sup>۴</sup>، «سیره تربیتی و اخلاق عملی امام رضا (ع)»<sup>۵</sup> و «شاخص‌های اخلاق محوری در آموزه‌های سیاسی امام رضا (ع)»<sup>۶</sup> نویسندگان محترم در حوزه تربیت اخلاقی مطالب فاخری در نوشته‌هایشان مطرح کردند، اما مطالبشان با مسئله و محتوای این تحقیق، کاملاً متفاوتند. شیوه‌شناسی رفتاری امام رضا (ع) در تعامل با هموعان، مبتنی بر کرامت و مؤلفه‌های متفرع بر این امر در تعامل رفتاری، در هیچ یک از پژوهش‌های انجام‌شده صورت نگرفته است. از همین جهت، مسئله و محتوای پژوهش پیش رو ابداعی است.

## مفهوم‌شناسی

### ۱. اصول

اصول، جمع اصل است. اصل در لغت به معنای پایه و اساس چیزی است که شیء دیگر بر آن مبتنی است (فیومی، بی‌تا: ۲ / ۱۶؛ ابن فارس، بی‌تا: ۱ / ۱۰۹). منظور از اصول اخلاقی، قواعد و قوانین کلی است که پایه و اساس اخلاق را شکل می‌دهد. این اصول در تمامی امور اخلاقی، ثابت و پایدار است. معنایی که تهمانوی درباره اصل بیان می‌دارد، با اصطلاح مدنظر در این تحقیق سازگاری بیشتری دارد. وی اصل را به معنای چیزی می‌داند که شیئی غیر خودش بر آن بنا شود و قدرت نگاهداری آن شیء را تا آخر دارد (تهمانوی، ۱۹۹۶: ۱ / ۲۱۳). راغب هم اصل را ریشه و پایه هر چیزی می‌داند که اگر آن پایه و ستون در حال ارتفاع بر آن بنا شود، سایر اجزای آن نیز ارتفاع پیدا می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۹). با این توضیحات می‌توان گفت اصول قواعد، قوانین و راهبردهای کلان و کلی در هر امری محسوب می‌شوند؛ به گونه‌ای که تمامی شاخه‌های متفرع بر آن امر، از این اصول متأثر باشند.

۱. نویسندگان: حسین محمودیان و احمد امامی‌راد؛ **دوفصلنامه مطالعات فقه تربیتی**، سال ششم، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
۲. نویسندگان: رضا معینی رودبالی، امرالله اندرزیان، محمد بهروزی، **نشریه پژوهش‌نامه فرهنگ و معارف دینی**، شماره ۲، پیاپی ۶ پاییز و زمستان ۱۴۰۱.
۳. نویسندگان: محمد نجفی، منصوره قربانی، کمال نصرتی هشی، محمد شاهی، **فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی**، سال پنجم، شماره اول، پاییز ۱۳۹۳.
۴. نویسنده: عنایت شریفی، **فصلنامه فرهنگ رضوی**، سال نهم، شماره ۳۳، بهار ۱۴۰۰.
۵. نویسنده: سید حسین حر، **فصلنامه کوثر بی‌ان**، شماره ۲۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۷.
۶. نویسندگان: مصطفی احمدی‌فر، حمید حسین‌نژاد محمدآبادی، محمدعلی رضایی اصفهانی و رضا حق‌پناه؛ **فصلنامه فرهنگ رضوی**، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۹۶.

## ۲. سیره

سیره به معانی روش، طریقه، و سبک، در لغت آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۳۳). سیره با سیر در لغت عربی قرابت معنایی دارد. سیر به معنای حرکت و رفتن است و سیره طریق و سبک خاصی از راه رفتن را بیان می‌دارد (مطهری، ۱۳۹۵: ۱۶ / ۵۰). با توجه به معنای لغوی سیره، هر رفتاری را نمی‌توان سیره نامید؛ بلکه رفتاری مصداق سیره خواهد بود که دارای روش و سبک ویژه باشد (همان). در ادبیات دینی، سیره معصومان به معنای طریقه، روش و رفتار و اخلاق عملی آن حضرات علیهم‌السلام به کار رفته است. گاهی سیره و سنت به یک معنی به کار می‌روند (ذاکری، ۱۳۹۸: ۷۰). برخی از لغت‌پژوهان، سنت را به معنای سیره، شیوه و روش می‌دانند (ابن‌منظور، بی‌تا: ۱۳ / ۲۲۵). اصطلاح سنت در علوم مختلف اسلامی به کار برده می‌شود. متفکران شیعی آن را به معنای قول و فعل و تقریر معصوم می‌دانند (مامقانی، ۱۴۱۱: ۱ / ۶۹). فقهای شیعی نیز در مباحث فقهی، سنت را به همین معنا به کار می‌برند (صدر، ۱۳۹۵: ۱۶۱؛ مظفر، ۱۴۰۵: ۲ / ۶۳). محققان، سنت را غیر از حدیث می‌دانند. حدیث ناظر به گفتار معصومان است، اما سنت به شیوه، منش و رفتار آنان ناظر است. از آنجاکه می‌توان منش را به معنای عام‌تری در نظر گرفت که علاوه بر رفتار، گفتار را نیز دربر گیرد، می‌توان سنت را اعم از حدیث دانست (نصیری، ۱۳۸۴: ۲۳) و به همین جهت سیره را نیز شامل می‌شود. در این پژوهش سنت و سیره امام رضا علیه‌السلام به معنای یادشده مدنظر است.

## ۳. اخلاق

اخلاق با حروف اصلی «خ ل ق» به ضم خاء، چیزی برخاسته از طبیعت انسان معنا می‌شود؛ یعنی چیزی که در نهاد و طبع انسان قرار گرفته است. جمع خُلُق، خَلَق است که به معنی نصیب خوب می‌باشد (ابن‌درید، ۱۹۸۸: ۱ / ۶۱۸؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۴ / ۱۹۴؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۲ / ۲۹۳). راغب در مفردات خُلُق و خَلَق را در اصل معنا یک چیز می‌داند، ولی خُلُق را به صورت و ظاهر انسان منتسب می‌کند که به واسطه چشم قابل مشاهده است؛ اما خُلُق را به قوای درونی و سجیه‌های بشر برمی‌گرداند که با فکر و بصیرت، قابل فهم‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۹۷). اخلاق از منظر علمای اخلاق به صفات و رفتارهای اخلاقی اطلاق می‌شود که شامل فضایل و رذایل می‌شود و به صورت ملکه و راسخ در نفس، و نه عادت انجام شود (طوسی، ۱۴۱۳: ۶۴؛ فیض کاشانی، بی‌تا: ۱۲۳ - ۱۲۲). البته عمدتاً وقتی به شکل مطلق و بدون وصف خوب و بد به کار رود، تبادر در فضایل اخلاقی و رفتارهای شایسته خواهد داشت (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۳۶۹).



#### د) مسئله بنیادین کرامت در رفتارشناسی امام رضا (ع)

کرامت به معنای بزرگواری و شرافت آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۳۸ / ۴۶۸). در برابر آن، دنی و پستی به کار می‌رود (طریحی، ۱۳۷۵: ۶ / ۱۵۳).

کرامت به معنای نزاهت از پستی و فرومایگی است و کریم یعنی روح بزرگوار و منزّه از هر پستی. بدین معنا کرامت در برابر دنائت قرار می‌گیرد و کریم در مقابل دنی (جوادی آملی، ۱۳۶۶: ۲۲ - ۲۱).

فلسفه و تعلیل اهمیت کرامت انسانی به جهت مخلوق الهی بودن است و می‌دانیم براساس آموزه‌های دینی، انسان برترین مخلوق الهی است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳ / ۱۵۶؛ امام خمینی، ۱۳۸۷: ۱۴۱ - ۱۴۰) و خود خداوند بر این نکته در قرآن تأکید کرده است (اسراء / ۷۰؛ تین / ۴). در آیات فراوان قرآن مسئله کرامت مطرح شده است. کرامت برای سایر موجودات هم مطرح شده (شعراء / ۷؛ عبس / ۱۶؛ انفطار / ۱۱)، اما کرامت انسانی نسبت به سایر موجودات براساس آیات قرآنی برتر و والاتر شمرده شده است (اسراء / ۷۰؛ مؤمنون / ۱۴؛ لقمان / ۲۰؛ تین / ۴). «وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا» (اسراء / ۷۰). البته این برتری به جهت فعل الهی و به سبب افاضه تکریمات خداوند به انسان است (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۴۳۹).

با توجه به آیات متعدد قرآن در زمینه انسان‌شناسی می‌توان به این نکته اذعان کرد که بزرگ‌ترین موهبت خداوند و برترین فضیلت برای آدمی همین کرامت است (میبدی، ۱۳۷۱: ۵ / ۵۹۸ - ۵۹۷). تمامی حقوقی که برای انسان در نظر گرفته شده، مانند حق حیات، حق آزادی، امنیت، استقلال، عدالت و برابری، همگی از لوازم کرامت و نشئت گرفته از آن هستند.

امام رضا (ع) در سخنی بیان کرده‌اند که برتری انسان‌ها بر یکدیگر، به جهت ظواهر انسانی نیست، بلکه ناظر به اعمال انسانی است (کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۲۳۰؛ دقیقاً همان نکته‌ای که در قرآن هم بیان شده است: «ان اکرمکم عندالله اتقاکم» (حجرات/۱۳)).

وقتی فردی به امام با سوگند خطاب کرد که شما بهترین مردمانی، حضرت در پاسخ با استناد به همین آیه قرآن (حجرات / ۱۳) فرمودند: «بهتر از من کسی است که در برابر خداوند، باتقواتر و مطیع‌تر باشد» (بحرانی، ۱۴۱۶: ۵ / ۱۱۴).

برتری قومی و قبیله‌ای و نژادی در فرهنگ اسلام مطرود است و امام رضا (ع) به شدت با آن مقابله می‌کردند. ایشان درباره برتری انسان نسبت به دیگری می‌فرمایند:

اگر من گمان کنم که از این غلام سیاهی که در اینجاست، به واسطه قرابت و

خویشاوندی با پیامبر به‌ترم، اشتباه است؛ مگر اینکه عمل صالحی داشته باشم که به‌واسطه آن، بر او برتری یابم (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸: ۲ / ۲۳۷).

درباره تعلیل یادشده در سخن امام هم باید گفت اگرچه مبتنی بر کرامت انسانی، همه انسان‌ها از این کرامت برخوردارند، باید به این امر هم توجه شود که اصل در خلقت بر کرامت است، اما انسان‌ها با کسب فضایل و به تعبیر قرآن با انجام عمل صالح یا همان تقوا کرامت را رشد می‌دهند، و به همین جهت انسان‌های باتقواتر از انسان‌های بی‌تقوا و کم‌تقواتر از کرامت بیشتری برخوردار خواهند شد (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ۲۶۱). از این‌رو در قرآن واژه کرامت با افعال تفضیل به کار رفته: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات / ۱۳).

در گزارش‌هایی که از مواجهه امام با فقرا و مستمندان نقل شده، به‌وضوح می‌توان تکیه بر مسئله کرامت را مشاهده کرد؛ در موردی، فردی درخواست پول از حضرت برای انجام امور زندگانی داشت؛ حضرت از پشت در منزل به او تصدق می‌کند و فلسفه این امر را حفظ کرامت و عزت نفس فرد فقیر اعلام می‌دارند (کلینی، ۱۴۰۷: ۴ / ۲۴).

کلینی در گزارشی از فردی از اهل بلخ که مصاحب حضرت بود، بیان می‌دارد که امام در هنگام غذا هم‌سفره با خادمان و غلامان خود شد. آن مرد به حضرت پیشنهاد کرد تمایزی بین حضرت و خادمان برقرار شود. امام ضمن نهی از این کار، بیان داشتند:

ان الرب تبارك و تعالي واحد والام واحده و الاب واحد والجزء بالاعمال (کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۲۳۰).

پروردگار همه یکی است. پدر و مادر همه یکی است و پاداش هم به اعمال است.

تساوی در رفتار و برخورد با انسان‌ها ناشی از کرامت است. تعامل و رفتار و مواجهه برابر با انسان‌ها مورد تأکید حضرات معصوم است. در سوره عبس برخورد زشت اخلاقی فردی در مواجهه با فقیر، که گویا لباس خود را از کنار او جمع کرده بود، حکایت شده. در همین راستا امام رضا (ع) می‌فرماید:

من لقي فقيرا مسلما فسلم عليه خلاف سلامه علي الاغنياء لقي الله عزوجل يوم القيامة و هو عليه غضبان (ابن‌بابویه، ۱۳۷۶: ۴۴۲؛ همو، ۱۳۷۸: ۲ / ۵۷؛ عطاردی، ۱۴۰۶: ۱ / ۲۹۹).

هرکس با فقیر مسلمانی مواجه شود و به او سلامی متفاوت با سلام بر فرد غنی داشته باشد، خداوند را در روز قیامت درحالی دیدار خواهد کرد که خدا از او در خشم و غضب است.

این روایت، حکایت از آن دارد که در اخلاق و رفتار رضوی، حتی امر ظریفی مانند تفاوت در سلام کردن بر افراد غنی و فقیر، آثار اخلاقی متفاوتی را بر فرد و جامعه بار می‌کند. در روایتی امام رابطه دوسویه عقلانیت و اخلاق اجتماعی را بیان می‌دارند (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۴۳)؛ در انتهای روایت، پرهیز از برتری‌طلبی را مطرح، و به فلسفه آن ناظر بر همین مسئله بنیادین، یعنی کرامت، اشاره می‌کنند:

ثُمَّ قَالَ (ع) الْعَاشِرَةُ وَمَا الْعَاشِرَةُ؟ قِيلَ لَهُ: مَا هِيَ؟ قَالَ (ع): لَا يَرَى أَحَدًا إِلَّا قَالَ: هُوَ خَيْرٌ مِنِّي وَأَتَّقِي تَوَاضَعَ لَهُ، لِيَلْحَقَ بِهِ، فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ عَلَا مَجْدُهُ وَطَابَ خَيْرُهُ وَحَسُنَ ذِكْرُهُ وَ سَادَ أَهْلَ زَمَانِهِ.

مورد دهمی! سؤال کردند: دهمی چیست؟ حضرت فرمودند: کسی را نبیند جز آنکه گوید: او از من بهتر و پرهیزکارتر است. همانا مردمان [در نزد او] دو دسته‌اند: یکی بهتر و پرهیزکارتر از او، و دیگری بدتر و پست‌تر از او. پس چون با بدتر و پست‌تر از خود برخورد کند، گوید: شاید نیکی و خیرش در باطن است که آن به خیر اوست، و خیر و خوبی من آشکار است که آن به شر من است؛ و هرگاه با کسی که از او بهتر و پرهیزکارتر است، برخورد کند، در برابرش تواضع نماید تا بدو ملحق گردد. پس هرگاه چنین کند، مجد و بزرگواری‌اش بالا گیرد و خیرش پاک و دلپسند، و نامش نیکو شود، و آقا و سرور مردم عصر خود گردد.

امام حتی در مناظرات علمی با رقبای فکری از اهل سنت و اهل کتاب، مبتنی بر بحث کرامت، هیچ‌گاه با تحقیر و توهین و بی‌احترامی با طرف مقابل برخورد نمی‌کرد. گزارش مناظرات امام، از احترام ویژه ایشان به افراد مختلف در مناظرات، حکایت دارد که در ادامه اشاره خواهیم کرد.

در سیره اخلاقی حضرت، احترام به بزرگ و کوچک، فقیر و غنی، مسلمان و غیرمسلمان، مرد و زن نقل شده است و این نوع احترام، حکایت از کرامت انسانی دارد. احترام به بزرگان و مهربانی به اطفال که در سفارشات حضرت مطرح می‌شود، مبتنی بر کرامت انسانی است (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱ / ۳۱۸).

توجه به کرامت و حقوق انسان‌ها در کلام دیگری از امام، با وضوح بیشتری خود را نشان می‌دهد. زکریا ابن آدم، از اصحاب امام رضا(ع)، می‌گوید: از امام رضا پرسیدم: مردی از اهل ذمه که به فقر و گرسنگی مبتلا شده بود، فرزندش را آورد و گفت: فرزندم مال تو. او را خوراک بده و او برده تو باشد. امام فرمود: (انسان) آزاده، خریده و فروخته نمی‌شود. این کار شایسته تو نیست؛ از ذمیان نیز روا نمی‌باشد<sup>۱</sup>

۱. «سالت الرضا(ع) عن رجل من اهل الذمه اصاهم جوع فاتي رجل بولد له، فقال: هذا لك اطعمه و هو لك عبد، قال: لا يبتاع حر، فانه لا يصلح لك و لا من اهل الذمه».

(عطاردی، ۱۴۰۶: ۲ / ۳۰۳). این ممانعت حضرت، به مسئله کرامت انسانی بازمی‌گردد؛ به‌خصوص در بخش پایانی روایت که امام بیان می‌دارند که این امر حتی برای ذمیان نیز روا نیست.

### هـ) اصول متفرع از کرامت

در اخلاق رضوی، عزت نفس، حسن ظن، مدارا، احترام، احسان، و تغافل، به شکل جدی خودنمایی می‌کنند و همه این امور، مبتنی بر مسئله بنیادین کرامت، معنا می‌یابند. زیبایی‌های اخلاقی در رفتار امام رضا (ع) متفرع بر این امر هستند. البته مصادیق این امور بیش از این مواردند و در کل می‌توان تمام فضایل اخلاقی را به شکل مستقیم و غیرمستقیم، متفرع بر کرامت دانست. به فراخور این تحقیق، به این چند مورد بسنده می‌کنیم و باقی موارد باید در تحقیق‌های مستقلی بررسی شوند.

#### ۱. عزت نفس

برخی کرامت انسانی را با عزت نفس یکی می‌گیرند (طریحی، ۱۳۷۵: ۶ / ۱۵۳)؛ اما به نظر می‌رسد عزت نفس گرچه قرابت زیادی با کرامت انسانی دارد، تفاوت‌هایی میانشان باشد. عزت نفس امری متفرع بر کرامت انسانی است. واژه عزت به‌معنای قوت و غلبه است (جوهری، ۱۴۰۷: ۳ / ۸۸۶). در تعریف عزت نفس بیان می‌شود: «تمایل فرد به اینکه خود را قادر به کنار آمدن با چالش‌های اصلی زندگی، و شایسته شادکامی بداند» (هفرن و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۱). در منابع دینی هم عزت نفس به‌معنای حالتی است که فرد در اثر تمرین در خود ایجاد می‌کند که در برخورد با وقایع مختلف زندگی، تاب‌آوری در مقابل آنها دارد (علی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۵: ۵).

امام رضا (ع) در مواجهه با افراد مختلف بر رعایت عزت نفس تأکید فراوان داشتند؛ چنان‌که وقتی فردی از حضرت تقاضای کمکی می‌کرد، ایشان ضمن رفع نیاز سائل، در راستای حفظ عزت نفس وی، برخورد کریمانه با او داشتند. در حکایتی که درباره حضرت نقل شده است، می‌خوانیم که فردی در مجلسی بر حضرت وارد شد و گفت: «سلام بر تو ای پسر رسول خدا؛ من مردی از دوستان تو و پدرانت هستم؛ از مکه می‌آیم؛ مال خود را گم کردم؛ اگر صلاح بدانید، آن‌قدر که مرا به وطنم برساند به من کمک فرمایید تا به شهر خود برسم؛ در آنجا من اموالی دارم و خدا مرا از نعمت خویش بهره‌مند کرده است. وقتی به شهر خود رسیدم، آنچه را به من عنایت کرده‌اید، از طرف شما صدقه می‌دهم. من مستحق صدقه نیستم و نمی‌توانم از صدقه استفاده کنم. حضرت به آن شخص فرمود: خدا رحمت کند! بنشین. سپس شروع به صحبت کردن با مردم کرد تا اینکه جمعیت از دور حضرت متفرق شدند. امام به اندرون خانه رفت و بسته‌ای آماده کرد و بدون حضور مستقیم در اتاق، از پشت در، فرد سائل را فراخواند و بسته را که شامل

دویست دینار بود، در دست وی قرار داد و فرمود: این دویست دینار را بگیر و از آن برای مخارج خویش استفاده کن و به آن تبرک جو؛ نمی‌خواهد از طرف من صدقه بدهی؛ برو که مرا نبینی و من نیز تو را نبینم. آن مرد خارج شد و رفت. سلیمان جعفری، از اصحاب حضرت که در اتاق نشسته بود، به حضرت عرض کرد: خیلی به او لطف کردید و مورد شفقت خویش قرار دادید؛ پس چرا صورت خود را از او پوشانیدید؟! حضرت فرمود: «مَخَافَةَ أَنْ أَرَى ذُلَّ السُّؤَالِ فِي وَجْهِهِ لِقَضَائِي حَاجَتَهُ...»؛ ترسیدم ذلت درخواست کمک را در چهره‌اش مشاهده کنم؛ چراکه با کمک کردن من او احساس می‌کند که عزت نفسش را از دست داده است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴ / ۲۳).

عمده‌ترین وجه این امور، رعایت عزت نفس افراد بوده که مبتنی بر رعایت مسئله کرامت، باید نفوس و شخصیت افراد، عزیز باقی بماند.

## ۲. حسن ظن

حسن ظن، به معنای خوش‌بینی و خوش‌گمانی، در برابر سوءظن یا بدبینی است. این امر، هم برای افعال انسانی، هم فعل خدا و هم سایر مخلوقات، معنا دارد؛ اما مراد ما از حسن ظن در مباحث اخلاقی، آن است که انسان هر عملی که از دیگران می‌بیند و هر سخنی که می‌شنود، آن را حمل به خوبی کند و تکذیب نکند (نراقی، ۱۳۹۰: ۲۳۳).

در اسلام حسن ظن محور اصلی در تعامل با افراد است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲: ۳ / ۳۰۳ و ۳۱۷). این امر نه فقط در جامعه اسلامی و بین مسلمین، بلکه مبتنی بر مسئله بنیادین کرامت، حتی با سایر انسان‌ها از مذاهب و مکاتب مختلف برقرار است. الگوی رفتار ارتباطی معصومان(ع) با انسان‌ها، از مسلمان و غیرمسلمان، مبتنی بر حسن و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بوده است. حتی رعایت حقوق اهل کتاب را به مسلمانان سفارش می‌کردند. در روایتی حضرت رسول(ﷺ) می‌فرماید: «مَنْ آذَى ذِمِّيَا فَقَدْ آذَانِي» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴ / ۱۲۵).<sup>۱</sup>

البته حسن ظن در تعامل با هموعان به معنای پذیرش باورهای اعتقادی آنان نیست. در زیست اجتماعی، به رفتارهای اخلاقی افراد باید با دید مثبت نگریست، اما نمی‌توان باورهای نادرست از مذاهب و مکاتب منحرف را پذیرفت. در میان تمامی فرق و باورمندان به مذاهب و ادیان مختلف، امام رضا(ع) صرفاً در باب هم‌زیستی با غالیان نکاتی را مطرح می‌کند که باید ارتباط با آنان قطع شود، اما با دیگران باید ارتباط خوب اخلاقی داشت (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲ / ۴۳۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۸ / ۲۶۳). اقدام امام به

۱. اشاره به این روایت حضرت رسول(ﷺ) ناظر رعایت حقوق اهل کتاب است.



لعن غالیان، نشان‌دهنده انحراف جدی این جریان و لزوم قطع ارتباط با آنان است (کشی، ۱۴۰۹: ۳۶۴). حضرت در سخنان خود به نقطه مقابل حسن ظن هم اشاره دارد. کرامت انسانی و عزت نفس به آدمی اجازه نمی‌دهد که زمینه سوءظن را برای دیگران فراهم آورد. حضرت از امیر مؤمنان علیه السلام نقل می‌کند:

مَنْ عَرَّضَ نَفْسَهُ لِلتُّهْمَةِ فَلَا يَلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ الظَّنَّ بِهِ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۲ / ۹۱).  
کسی که خود را در معرض تهمت قرار می‌دهد، حق ندارد کسانی را که به او بدگمان می‌شوند، ملامت کند.

و در روایتی بیان کردند:

إِعْلَمَنَّ أَنَّ الْجُبْنَ وَ الْبُخْلَ وَ الْحِرْصَ غَرِيزَةٌ يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴ / ۴۰۹)  
این را بدان که [این سه صفت،] ترس و بخل و طمع، غریزه‌هایی هستند که منشأ همه آنها سوءظن و بدبینی است.

### ۳. مدارا

مدارا به معنای آسان‌گیری در برخورد است (مصطفوی، بی تا: ۴ / ۱۸۶). البته رفق و مدارا به معنای پذیرش عقاید همه افراد نیست؛ بلکه مراد، ملایمت در رفتار با افراد مختلف، بدون پذیرش عقاید و افکار مخالفان و دشمنان است. مبتنی بر مسئله کرامت، رعایت حقوق انسانی در اجتماع به معنای بردباری با آنان است. رفق و مدارا اصل مهم اخلاقی است که خداوند در قرآن به پیامبر هم سفارش می‌کند: «وَكُنتَ فِطْرًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران / ۱۵۹). طبق صریح این کریمه، اگر پیامبر رفق و نرمی در افعال و اقوال نداشت، مردم از پیرامون حضرت پراکنده می‌شدند.

اصل مدارا مبتنی بر کرامت انسانی در سیره عملی و گفتار رضوی، حکایت از اهمیت آن دارد. حضرت بر رفق و مدارا با هموعان تأکید فراوانی دارد. نقطه مقابل مدارا، ناملایمی در تعامل با مردم است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۲۰) که خود نوعی ظلم بر مردم محسوب می‌شود. در روایتی از امام صادق، مدارا اصل ارزشمند اخلاقی، و نقطه مقابل آن، مکاشفه، به معنی پرده‌داری معرفی شده: «والمداواة وضدها المكاشفة» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۲۲). امام جواد علیه السلام در این زمینه، از قول پدر بزرگوارشان و آن حضرت از پیامبر بزرگوار اسلام بیان می‌دارند که ظلم بر مردم، بدترین توشه برای آخرت است: «بئس الزاد الي المعاد العدوان علي العباد» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲ / ۵۴). از این روایت استفاده می‌شود که باید با مردم که همان هموع انسان هستند، با مدارا برخورد کرد و ظلم بر آنان روا نداشت.

#### حضرت در باب اصل مدارا می‌فرمایند:

مؤمن، مؤمن واقعی نیست، مگر آنکه سه خصلت در او باشد: سنتی از پروردگارش و سنتی از پیامبرش و سنتی از امامش. اما سنت پروردگارش، پوشاندن راز خود است؛ و اما سنت پیغمبرش، مدارا و نرم‌رفتاری با مردم است؛ و اما سنت امامش، پس صبر کردن در زمان تنگ‌دستی و پریشان‌حالی است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۲۴۱).

امام، دوستی با عموم مردم (نه صرفاً هم‌مذهب و هم‌کیش) را لازمه زندگی مسالمت‌آمیز و تعاملات اجتماعی می‌دانند. به همین جهت بر مسئله تودد و اظهار دوستی و محبت به هموعان تأکید دارند: «التودد الي الناس نصف العقل» (همان: ۶۴۳) در بیانی دیگر، خوش‌رفتاری با مخالفان را امری ضروری برای زیست اجتماعی مطرح می‌کنند:

پس از ایمان به خداوند، مهربانی کردن با مردم و نیکی کردن به خوب و بد آنها بیانگر خردمندی و دوراندیشی است (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸: ۲ / ۳۵).

امام تسامح با دشمنان و مدارا کردن با دوستان را از نشانه‌های عقلانیت می‌دانند (همو، ۱۳۷۶: ۲۸۴).

#### ۴. احترام

احترام به معنای ارج نهادن و حرمت نهادن به دیگری است و خود ناشی از مسئله ادب است.<sup>۱</sup> احترام و رعایت ادب در گفتار و عمل، نقش اساسی در تعامل دو طرف دارد.

در سیره رفتاری ائمه (ع) حرمت و احترام به افراد و رعایت ادب، فارغ از عقاید و افکار آنها مشاهده می‌شود و ایشان در این امر، بزرگ و کوچک، فقیر و غنی، عبد و آزاد نمی‌شناختند و با همه آنها - نه صرفاً در حوزه گفتاری، بلکه در کردار و رفتار - با احترام برخورد می‌کردند. در روایتی حضرت ادب را به جامه‌های زیبا تعبیر کردند (نوری، ۱۴۰۸: ۱۱ / ۱۸۴). در روایت دیگری درباره ادب فرمودند:

عقل و خرد، عطیه و موهبتی الهی است؛ ولی ادب با کوشش و تلاش حاصل می‌شود. هرکس رنج تحصیل ادب را تحمل کند، آن را به دست آورد؛ اما آن که برای به دست آوردن عقل رنج برد، جز نادانی نیفزاید (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۲۴).

---

۱. ادب در اصطلاح رایج به معنی حفظ حد و اندازه هر چیزی و تجاوز نکردن به آن است. با توجه به معنایی که از احترام بیان داشتیم، ادب همان نگه داشتن حریم هر فرد است. بنابراین احترام، خود ناشی از ادب است. البته برخی ادب و احترام را به یک معنا می‌دانند. در روایتی از حضرت امیر (ع) درباره ادب آمده است: «افضل الادب أن يقف الانسان عند حدّه و لا يتعدّى قدره (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۲۰۸)؛ برترین ادب آن است که انسان در حد و اندازه خود بماند و از حد خود تجاوز نکند.» با توجه به این روایت و معنای ذکرشده از احترام، می‌توان این دو را در یک محدوده معنایی دانست.

ناظر به همین ادب، حضرت به گونه‌ای با مخالفان، شایسته و مؤدبانه برخورد می‌کردند که نتیجه این تعامل و برخورد، اقرار مخالفان به امامت حضرت و گاهی تسلیم و تن دادن به آن بوده است. حتی افرادی که به چیزی اعتقاد نداشتند، در چنین مواجهه‌ای متذکر رعایت ادب حضرت می‌شدند. حضرت در راستای تکریم افراد، در مناظرات، اختیار آغاز بحث را به طرف مقابل واگذار می‌کرد (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱ / ۱۶۴).

دستگاه حاکمیت عباسی برای کاهش نفوذ امام و شکست دادن حضرت، تلاش می‌کرد از صاحب‌نامان بزرگ در عرصه علم و مناظرات بهره گیرد تا امام را در مباحثات و مناظرات، محکوم سازند و در پی آن به شکست وادارند (همان: ۱۹۱)؛ اما به اقرار تمامی کتب تاریخی، امام در تمامی این مناظرات، پیروز میدان بود و همه فرق را در بحث، محکوم می‌کرد (محمدزاده، ۱۳۸۸: ۳۷۴)؛ به خصوص از جهت کلامی، در این مناظرات، حقانیت امام و مذهب شیعه اثبات می‌شد و امام پاسخگوی تمام مباحث معرفتی در بعد کلامی بود (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳: ۱ / ۶۷ - ۶۶). نکته قابل توجه در مجموع مناظرات امام (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱ / ۲۰۴ - ۱۵۴؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۲ / ۴۱۵) ادب حضرت است.

در مناظرات علمی، امام در عین برخورداری از درجه عالی علمی، از جهت اخلاقی با صفات محسن اخلاقی، همچون حلم و بردباری، به سخنان طرف مقابل گوش فرا می‌داد و پس از اتمام سخن، از وی برای اقامه حجت و دلیلش سؤال می‌کرد. ایشان در هیچ‌یک از مناظراتش، شخصیت طرف مقابل مناظره را تخریب و تحقیر نمی‌کرد، بلکه کاملاً محترمانه با آنان برخورد می‌کرد (خسروی، ۱۳۷۹: ۴ / ۱۵۸).

در مناظره با رقیب فکری، امام قصد اصلی را پذیرش ناحق بودن طرف مقابل می‌دانست، اما از دایره انصاف خارج نمی‌شد. براساس گزارش‌ها از این مناظرات، امام به طرف مقابل اجازه می‌داد سخن خود را کامل بگوید (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱ / ۱۵۶). در مناظره با عمران صائبی به او فرمود: «سل یا عمران و علیک بالنصفه و ایاک و الخطل و الجور» (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۴۳۰؛ همو، ۱۳۷۸: ۱ / ۱۶۸؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۲ / ۴۲۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰ / ۳۱۰). در یکی از این مناظرات، امام به طرف مقابل فرمود: «الان جئت بالنصفه؛ اکنون شما منصفانه سخن گفتید» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱ / ۱۵۷).

یکی از مصادیق احترام، نام بردن افراد به نیکویی و پرهیز از تمسخر و تحقیر فرد مقابل در گفت‌وگوهاست. بر اساس گزارش مناظرات حضرت، امام در نام بردن از افراد در مناظرات، هیچ‌گاه به تمسخر و تحقیر روی نمی‌آورد، بلکه برعکس، با احترام از افراد یاد می‌کرد. در مناظره‌ای با سلیمان مروزی، وقتی در حین مناظره، حضار به سلیمان از باب تمسخر خندیدند، امام از آنها خواست تمسخر نکنند و خواهان ملایمت جمع شد (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱ / ۱۸۳؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۰۲). همچنین گاهی بعد از مناظره، با هدایایی، از افراد دلجویی نیز می‌کرد (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱ / ۱۷۸).

## ۵. احسان

احسان در لغت به معنای زیبایی عمل، و نیکی کردن (قرشی، ۱۳۷۱: ۲ / ۱۳۴) در برابر بدی کردن است. احسان از سفارشات صریح قرآنی است که در آیات متعددی به آن اشاره شده (مائده / ۹۳؛ زمر / ۱۰). امام تأکید فراوانی بر احسان و لطف در حق هموعان داشتند. از ویژگی‌های بارز حضرت، احسان به مردم نقل شده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴ / ۳۶۰). زمانی که امام (ع) در طوس بودند، به ایشان گزارش شد که برخی از خادمان، امام جواد (ع) را از کوچه باریک و دری کوچک نقل می‌دهند تا کمکی از ایشان به فقرا نرسد. امام رضا (ع) طی نامه‌ای به فرزند خود، مرقوم داشتند که این رفتار غلامان، ناشی از بخل آنان است و به حضرت سفارش کردند:

به حقی که بر گردن تو دارم، از تو می‌خواهم که ورود و خروجت از در بزرگ باشد و زمانی که سوار مرکب می‌شوی، با خود درهم و دینار بردار و به هرکسی که از تو درخواست کرد، عطا کن (کلینی، ۱۴۰۷: ۴ / ۴۳؛ انصاریان، ۱۳۸۴: ۴۵۸).

مبنای نظام اخلاقی دینی بر پایه تعلیمات اهل بیت، دیگرگرایی و دوری از خودمحوری است. ائمه خودگرایی و خودپسندی را به شدت مذمت کرده‌اند. در آموزه‌های رضوی این امر فراوان بیان شده است؛ از جمله یکی از سفارشات امام در خطبه نماز باران، احسان و تعاون و مواسات به دیگران است. در جامعه دینی و ایمانی نمی‌توان فقط به خود پرداخت. امام در این خطبه فرمودند:

بدانید که بعد از ایمان به خداوند متعال و بعد از اعتراف به حقوق اولیای الهی از آل محمد، پیامبر خدا (ص)، هیچ شکری نزد خدا دوست‌داشتنی‌تر از این نیست که برادران مؤمن خود را در کارهای دنیایی‌شان یاری رسانید... (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲ / ۱۶۹).

حضرت احسان را عامل پایداری نعمت‌ها می‌دانند (همان: ۲۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۲ / ۲۶). احسان الزاماً به معنای اعطا و انفاق مالی نیست؛ بلکه بزرگ‌ترین احسان، خوش‌رفتاری است. حضرت در کلامی به این مسئله اشاره می‌کنند: «شما هرگز نمی‌توانید با دارایی خود، همه مردم را بهره‌مند سازید؛ پس با اخلاق نیکو چنین کنید» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲ / ۵۳). وجه این امر هم فطری بودن این امر است. پیامبر بزرگوار (ص) در روایتی به تعلیل این مسئله چنین اشاره می‌کنند:

جُبِلَتْ الْقُلُوبُ عَلَى حُبِّ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهَا، وَ بُغِضَ مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهَا (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۷؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴ / ۳۸۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۴ / ۱۴۰).

دل‌ها بر دوستی کسی که به آنان احسان کند و بغض به کسی که به آنان بدی کند، آفریده و سرشته شده است.

## ۶. تغافل

خطاهای رفتاری انسان امری کاملاً طبیعی است. ساحت وجودی وی به گونه‌ای است که با اراده و اختیار تن به اعمال می‌دهد. البته در این میان نقش بصیرت و آگاهی، جدی است. ممکن است افراد به دلایل مختلف، آگاهانه یا ناآگاهانه، به اعمال و رفتارهای ناشایست تن دهند. در این میان نقش ما در مقابله با این رفتارها چگونه باید باشد؟ ترسیم این مواجهه، نیاز به مباحث متعددی دارد. در این مجال، ناظر به موضوع این تحقیق و مبتنی بر مبنایی‌ترین مسئله حاکم بر رفتارهای اخلاقی، یعنی کرامت، به مسئله تغافل و چشم‌پوشی اشاره می‌کنیم.

تغافل یعنی خود را به غفلت زدن (ابن‌منظور، بی‌تا: ۱۱ / ۴۹۸). اصل این امر، یعنی تغافل، به معنای تأیید رفتار ناشایست اخلاقی نیست، بلکه خود، راه و وسیله‌ای برای بصیرت‌افزایی فرد مرتکب آن عمل است و این امر کاملاً مرتبط با همان مسئله بنیادین در رفتارهای اخلاقی، یعنی مقوله کرامت است. در سیره معصومان، از این امور اخلاقی، فراوان یاد شده است. گاهی پیامبر در برابر برخی از افراد که مقابل حضرت دروغ می‌گفتند، با علم به دروغ‌گویی آنان، طوری وانمود می‌کرد که گویا شخص دروغی نگفته است (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۷۸).

حضرت رضا علیه السلام درباره سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله به مسئله تغافل اشاره می‌کنند و بیان می‌دارند:

يَتَغَافَلُ عَمَّا لَا يَشْتَهِي فَلَا يُؤَيِّسُ مِنْهُ (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸: ۱ / ۳۱۸).

در مقابل آنچه دوست نمی‌داشت، خود را به غفلت می‌زد و به روی خود نمی‌آورد.

امام رضا علیه السلام به نکات مهمی در زمینه چشم‌پوشی و تغافل اشاره کرده‌اند: «خاموشی، دری از درهای حکمت است. خاموشی، دوستی را نصیب می‌کند و راهنمایی به سوی نیکی است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۱۱۳؛ ابن‌بابویه، ۱۳۷۸: ۱ / ۲۵۸). در این روایت، فلسفه سکوت را می‌توان دو دلیل دانست: اول اینکه سکوت کردن مانع بسیاری از گناهان زبانی، مانند غیبت و تهمت و ... می‌شود؛ دوم اینکه سکوت در برابر افعال دیگران می‌تواند از سر تغافل باشد، تا بدین سبب فرد مقابل متنبه شود. حضرت امیر علیه السلام در روایاتی، به رابطه این اصل با کرامت اشاره کرده‌اند:

أَشْرَفُ أَخْلَاقِ الْكَرِيمِ كَثْرَةُ تَغَافُلُهُ عَمَّا يَعْلَمُ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۲۰۹).

بهترین اخلاق بزرگواری، تغافل زیاد نسبت به آنچه می‌داند، است.

در روایاتی مشابه، از حضرت آمده است:

أَشْرَفُ أَخْلَاقِ الْكَرِيمِ تَغَافُلُهُ عَمَّا يَعْلَمُ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۲ / ۴۹).

بهترین اخلاق بزرگواری، بی‌خبر وانمود کردن خود است از آنچه می‌داند.



## (و) تحلیل پایانی

از رسالت‌های اصلی متولیان، تبیین تعالیم دین اسلام است که مبتنی بر تقسیم سه‌گانه رایج، شامل اعتقادات، احکام و اخلاق می‌شود. در میان این تعالیم، اخلاق و گزاره‌های اخلاقی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در قرآن به ویژگی اخلاقی معرفی شده است و «خُلِقَ عَظِيمٌ» (قلم / ۴) یکی از بارزترین آنهاست. خود قرآن نیز کتاب انسان‌ساز و کتاب اخلاق هم معرفی شده است. همچنین در روایات، در توصیف شخصیت این رسول الهی آمده است: «کان خلقه القرآن» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۶ / ۳۴۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۳ / ۲۳۶). از سویی، آن حضرت فلسفه بعثت خود را مکارم اخلاق و تکمیل مکرمات‌های اخلاقی معرفی کرده است: «انی بعثت لاقم مکارم الاخلاق» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶ / ۲۱۰). امام رضا علیه السلام در روایتی از رسول مهربانی و رحمت نقل می‌کند: «علیکم بمکارم الاخلاق فان الله عزوجل بعثني بها.» (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۷۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۶ / ۳۷۵). به همین دلیل، ائمه معصوم هم که رسالت تبیین دین را بعد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر عهده داشتند، به این فلسفه بعثت توجه جدی کرده‌اند. امام رضا علیه السلام هم در این راستا نظامی اخلاقی را ارائه می‌کنند که مبتنی بر اصولی است. مهم‌ترین اصل در نظام اخلاق رضوی، اصل کرامت است که سایر امور اخلاقی از آن متفرع می‌گردند. زیست اخلاقی مسلمانان، ناظر به مسئله کرامت، به‌گونه‌ای با تساهل و تسامح همراه است. در ظاهر امر، چنین زیستی، کثرت‌گرایی اخلاقی را به ذهن متبادر می‌سازد؛ اما میان پلورالیسم اخلاقی مدنظر پاره‌ای از متفکران غربی مانند جان هیک (لگنهاوزن، ۱۳۷۹: ۳۴) و طیفی از روشنفکران معاصر ایرانی، با این نظام اخلاقی، تفاوت جدی وجود دارد؛ چراکه پلورالیسم اخلاقی در این معنا «نوعی نسبی‌انگاری ارزشی، نفی ضوابط ثابت و عام اخلاقی و استدلال‌ناپذیری ارزش‌های اخلاقی را افاده می‌کند» (خسروپناه، ۱۳۸۸: ۱۹۵) که در نظام اخلاق رضوی کاملاً مردودند. پلورالیسم دینی هنجارشناختی که جان هیک در غرب و به تبع او برخی افراد در جهان اسلام از آن پیروی می‌کنند، در حوزه تعامل با افراد، دو جریان دیگر را قرار می‌دهد: مطلق‌انگاری‌ها و انحصارطلبی‌های رفتاری (هیک، ۱۳۸۴: ۵۳) و دیگری، شمول‌گرایی رفتاری (همان: ۴۵)؛ در صورتی که مدلی که در رفتارشناسی رفتاری رضوی گزارش کردیم، در برابر هر سه مورد قرار دارد؛ با این توضیح که کثرت‌گرایی رفتاری و اخلاقی مدنظر اسلام هیچ‌گاه صحنه بر حقانیت و صدق مکاتب و آیین‌های دیگر نمی‌گذارد، بلکه صرفاً در حوزه زیست اجتماعی، ضمن احترام به حقوق زندگی طبیعی، مبتنی بر مسئله کرامت، با پیروان آیین‌ها و مکاتب غیراسلامی با تساهل و تسامح رفتار می‌کند. زندگی مسالمت‌آمیز و به رسمیت شناختن حقوق اهل کتاب، به معنی تأیید باورهای نادرست آنان نیست؛ زیرا اغماض و تساهل مربوط به زندگی دنیوی است و این‌که برای حفظ کرامت انسانی نباید درگیر اختلافات

شد؛ اما در عرصه حقانیت و صدق نباید از حق دست برداشت و اینکه سرنوشت انسان‌ها در سرای دیگر چگونه است، ارتباطی به این بحث ندارد.

لازمه زیست اجتماعی تعامل با هموعان است که این امر در نظام اخلاق رضوی مبتنی بر کرامت انسانی است و سایر ویژگی‌های اخلاقی در ارتباط با هموعان از متفرعات این امر خواهد بود.

## نتیجه

نتایج پژوهش حاضر را می‌توان چنین فهرست کرد:

یکم. اخلاق‌گرایی و اخلاق‌مداری، اصل حاکم بر اندیشه و رفتار ائمه معصوم و از جمله امام رضا علیه السلام است. دوم. اخلاق‌مداری حضرت، نه تاکتیک، بلکه استراتژی حضرت در رفتار و سیره بوده است. سوم. در تعالیم امام علیه السلام درباره زیست اجتماعی، تعامل رفتاری با هموعان و برخورد اخلاقی با همه انسان‌ها ضروری است.

چهارم. تساهل و تسامح در زیست اجتماعی به معنای تأیید اندیشه و باور نادرست و انحرافی هموعان نیست. به همین دلیل، کثرت‌گرایی هنجاری و اخلاقی در ادبیات و سیره و عمل امام رضا علیه السلام با آنچه امروزه با عنوان پلورالیسم دینی در حوزه اخلاق مطرح می‌شود که نتیجه‌اش نسبی‌انگاری است، کاملاً متعارض است و مقابل یکدیگر قرار دارند.

پنجم. نظام اخلاق رضوی علیه السلام مبتنی بر اصولی است که در ساحت‌های بینشی، گرایشی و کنشی، ترسیم می‌شوند.

ششم. مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصل در تعامل با هموعان در نظام اخلاق رضوی علیه السلام اصل کرامت انسانی است.

هفتم. عزت نفس، حسن ظن، مدارا، احترام، احسان و تغافل، از متفرعات کرامت است و علت تن دادن به این ویژگی‌های اخلاقی در زیست اجتماعی با هموعان، مبتنی و وابسته به کرامت انسانی است.

## منابع

### الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم.

- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

- ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸ م). *جمهرة اللغة*. بیروت: دار العلم للملایین.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). *صفات الشیعه*. تهران: اعلمی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). *مالی*. تهران: کتابچی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق). *عیون اخبار الرضا*. تهران: جهان.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۸ق). *التوحید*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. تصحیح علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
- ابن شعبه حرانی، ابومحمد حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*. تصحیح علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
- ابن شهر آشوب، ابوجعفر محمد بن علی (۱۳۷۹ق). *مناقب آل ابی طالب*. قم: علامه.
- ابن فارس، احمد (بی تا). *معجم المقاییس اللغة*. تحقیق عبدالسلام محمد هارون. قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- امام خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۷). *شرح حدیث جنود عقل و جهل*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- انصاریان، حسین (۱۳۸۴). *اهل بیت عرشیان فروش نشین*. قم: دارالعرفان.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. تهران: بنیاد بعثت.
- پترسون، مایکل و دیگران (۱۳۷۹). *عقل و اعتقاد دینی*. ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی. تهران: طرح نو.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). *غرر الحکم و درر الکلم*. قم: دار الکتاب الإسلامی.
- تهانوی، محمد علی (۱۹۹۶ م). *کشاف اصطلاحات الفنون*. لبنان: ناشرون.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۶). *کرامت در قرآن*. تهران: رجاء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق). *الصاحح، تاج اللغة و صحاح العربیه*. تحقیق احمد عبدالغفور عطار. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. قم: آل البيت لاحیاء التراث.
- حکیمی، محمد رضا، و محمد و علی حکیمی (۱۳۸۰). *الحیة*. ترجمه احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- حمیری، ابوالعباس عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق). *قرب الاسناد*. قم: آل البيت (ع).  
 - خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۸). *کلام جدید با رویکرد اسلامی*. قم: معارف.  
 - خسروی، موسی (۱۳۷۹). *احتجاجات (ترجمه جلد چهارم بحار الانوار)*. تهران: اسلامیه.  
 - داستایفسکی، فئودور (۱۳۶۸). *برادران کارامازوف*. ترجمه رامین مستقیم. تهران: گلشائی.  
 - دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران.  
 - ذاکری، علی اکبر (۱۳۹۸). *درآمدی بر سیره معصومان در کتاب‌های چهارگانه شیعه*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.  
 - راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ قرآن*. بیروت: دارالقلم.  
 - صاحب بن عباد، اسماعیل (۱۴۱۴ق). *المحیط فی اللغة*. تحقیق و تصحیح محمدحسن آل یاسین. بیروت: عالم الکتاب.  
 - صدر، سید محمدباقر (۱۳۹۵ق). *المعالم الجدیدة للاصول*. تهران: مکتبه النجاح.  
 - طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: مکتبه النشر الاسلامی.  
 - طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۸). *سنن النبی (ص)*. تهران: کتابفروشی اسلامیه.  
 - طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). *الاحتجاج علی اهل اللجاج*. تصحیح محمدباقر خراسان. مشهد: مرتضی.  
 - طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.  
 - طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تهران: مرتضوی.  
 - طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق). *الامالی*. قم: دار الثقافه.  
 - طوسی، نصیرالدین محمد (۱۴۱۳ق). *اخلاق ناصری*. تهران: علمیه اسلامیه.  
 - عطاردی، عزیزالله (۱۴۰۶ق). *مسند الامام الرضا (ع)*. مشهد: کنگره جهانی امام رضا (ع).  
 - فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (بی تا). *الحقائق فی محاسن الأخلاق؛ قرة العیون فی المعارف و الحكم؛ مصباح الأنظار*. تصحیح محسن عقل. قم: دار الکتاب الإسلامی.  
 - فیومی، احمد بن محمد (بی تا). *المصباح المنیر*. قم: دار الهجرة.  
 - قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.  
 - کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق). *رجال*. مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.  
 - کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

- لگنهاوزن، محمد (۱۳۷۹). *اسلام و کثرت گرایی دینی*. ترجمه نرجس جوان دل. قم: طه.
- مامقانی، عبدالله (۱۴۱۱ق). *مقباس الهدایه*. بیروت: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: الوفاء.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول*. تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- محمدزاده، مرضیه (۱۳۸۸). *علی بن موسی الرضا علیه السلام*. قم: دلیل ما.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۳). *حکمت نامه رضوی*. قم: دار الحدیث.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲). *اخلاق در قرآن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۶). *نظریه حقوقی اسلام*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصطفوی، حسن (بی تا). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. بیروت، قاهره.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). *مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، انسان و ایمان*. قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۵). *مجموعه آثار*. قم: انتشارات صدرا.
- مظفر، محمدرضا (۱۴۰۵ق). *اصول الفقه*. قم: دانش اسلامی.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *الاختصاص*. قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۲). *اخلاق در قرآن*. قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- میبدی، رشیدالدین (۱۳۷۱). *کشف الاسرار و عدة الابرار*. به کوشش علی اصغر حکمت. تهران: امیرکبیر.
- نجف، محمد مهدی (۱۴۰۶ق). *صحیفه الامام الرضا علیه السلام*. مشهد: کنگره جهانی امام رضا علیه السلام.
- نراقی، احمد (۱۳۹۰). *معراج السعادة*. تصحیح سید آقا موسوی کلانتری دامغانی. تهران: پیام آزادی.
- نصیری، علی (۱۳۸۴). *درسنامه علم حدیث*. قم: سنابل.
- نوری، حسین (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
- هفرن، کیت، و ایلونا بونیول (۱۳۹۳). *روان شناسی مثبت گرا*. ترجمه محمدتقی تبیک و محسن زندی. قم: دارالحدیث.

#### ب) مقاله ها

- استیس، والتر ترنس (۱۳۸۲). در بی معنایی معنا هست. ترجمه اعظم پویا. *نقد و نظر*. ۸ (۲).



- کریگ، ویلیام (۱۳۹۲). پوچی زندگی بدون خدا. ترجمه غزاله حجتی و امیرحسین خداپرست. *اطلاعات حکمت و معرفت*. ۸(۱). ص ۲۷-۳۲.
- علی‌نژاد، محمد، روح‌الله عمران و پیمان کمالوند (۱۳۹۵). مفهوم‌شناسی عزت نفس در قرآن و روان‌شناسی انسان‌گرا. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*. ۷(۳). ص ۱-۳۲.
- هیک، جان (۱۳۸۴). پلورالیسم دینی و اسلام. *قبسات*. ترجمه محمد محمدرضایی، ۱۰(۳). ص ۵۴-۳۹.

